

آموزش توحید محور

دشمن شناسی (شیطان شناسی)

علت سقوط شیطان از جایگاهش

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أُمِرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

فرمود؛ چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را بازداشت از اینکه سجده کنی گفت من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی.

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ. (اعراف ۱۲ و ۱۳)

فرمود از آن [مقام] فرو شو تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی.

آموزش توحیدمحور

راهبرد کلی شیطان در دنیا

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ. (ص ۸۲ و ۸۳)

شیطان گفت: به عزت و جلال تو قسم که خلق را تمام گمراه خواهم کرد. مگر آن بندگان از میان آنان که برای تو خالص شده‌اند به‌گونه‌ای که برای من و دیگران در آنها نصیبی نیست.

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ. (اعراف/۱۶)

گفت پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست.

آموزش توحیدمحور

راهکار عملی

خداوند می‌فرماید: قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (حجر/ ۳۹ و ۴۰)

شیطان گفت: خدایا، چنان که مرا به گمراهی و هلاکت کشاندی من نیز در زمین (هر باطلی را) در نظر فرزندان آدم جلوه می‌دهم (تا از یاد تو غافل شوند) و همه آنها را به گمراهی و هلاکت خواهم کشاند. مگر [آن] بندگان را که خالص‌شدگان [از هر نوع آلودگی ظاهری و باطنی] اند.

راهکارهای عملیاتی کردن راهبرد از سوی شیطان

ثُمَّ لَأَتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ ۗ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (اعراف/ ۱۷)

سپس از روبرو و از پشت سر و از راست و چپشان بر آنان می‌تازم و بیشتر آنان را سپاسگزار نخواهی یافت.

حدیث: امام باقر علیه‌السلام فرمود:

«ورود ابلیس از پیش رو بدین شکل است که امر آخرت را برای انسان ساده و سبک جلوه می‌دهد، و از پشت سر به این است که ثروت‌اندوزی و بخل و توجه به اولاد و وارث را تلقین می‌کند و از طرف راست با ایجاد شبهه، دین را متزلزل و تباه می‌سازد و از طرف چپ، لذات و شهوات و منکرات را غالب می‌کند.»

آموزش توحید محور

توضیحات اسلایدها

قرآن کریم گفتگویی میان خداوند و شیطان را نقل می‌کند در این گفتگو خداوند امر می‌کند به ابلیس که بر انسان سجده کن اما شیطان سرکشی کرده و اطاعت نمی‌کند خداوند از او سؤال می‌کند که چرا سجده نمی‌کنی پاسخ داد (من برترم از انسان) همین‌که اظهار (من و تکبر) کرد خداوند فرمود برو پایین (هبوط) در این حال درخواست مهلت خواست از خداوند که بتواند بنی آدم را گمراه کند خداوند به او این مهلت را داد و او از همان جا که قسم خورد که من تمام آدمیان را نمی‌گذارم به بعد پنجم (پایدار و جاودانه‌شان) دست پیدا کنند از طریق کاشتن (من) در قلب و جان آنها که همان ابعاد (جمادی، گیاهی، حیوانی و علمی) آنهاست و عمر آنها که باید صرف درک واقعیت و دل دادن به هستی مطلق است به تباهی می‌کشانم و آنها نارس و ناقص از رحم دنیا به عالم بعد (برزخ) متولد می‌شوند و از چهار طرف به انسان حمله می‌کنم (راست، چپ، روبرو، پشت) اگر دقت کنیم شیطان بالا و پایین را در حمله خودش ذکر نکرد و از این دو مسیر نمی‌تواند حمله کند و این مسیر عمودی است؛ چون بالا «الله» است پایین هم خاک است که مظهر تواضع و کرنش است به اصطلاح می‌گویند فلانی آدم خاکی است یعنی «منیت» ندارد اگر انسان از آن چهار بعد که جلسه قبل بیان شد که همه مسیرش افقی بود و در دنیا خلاصه می‌شد رهایی پیدا کند و در بعد پنجم که انسانیت اوست قرار بگیرد وارد (صراط مستقیم) شده است همان درخواستی که ما موظفیم در هر نماز در سوره حمد از خداوند بخواهیم و دقیقاً شیطان در همین مسیر صراط مستقیم خلل ایجاد می‌کند.

شناخت نقش انسان در دنیا

به فرموده استاد صفایی (رحمه‌الله):

هدف انسان در آمدنش به دنیا خوردن و خوابیدن و رفاه نیست انسان برای خوشی (۴ بعد اول) به این همه استعداد نیاز نداشت و از طرف دیگر دنیا با آن ناسازگار است. تمام هستی با غم پیچیده شده تا ما به آن نجسبیم زیر پای ما را داغ کرده‌اند تا در این دنیا نمانیم و حرکت کنیم ما عاشق این دنیای به غم پیچیده شدیم وای به حال اینکه پر قوم می‌بود؛ لذا به هرچه دل ببندی از تو می‌گیرند که تو بیکار در عالم نمایی و حرکت کنی. قرآن می‌فرماید (فروا الی الله) پس نقش ما و کار ما در عالم دنیا حرکت است آن وقت حرکت جهت می‌خواهد جهت حرکت اگر پایین‌تر از انسان باشد (۴ بعد جلسه پیشین) (ثروت، زیبایی، ریاست، علم بدون نور) اینها مدهایی هستند پایین‌تر از ما و این تنزل ماست لذت ما در آن چهار بعد به خاطر این است که نمی‌فهمیم چه از دست داده‌ایم عمرم را شمع کردم برای اینکه چه پیدا کنم (یک مرید، یک ریاست، یک مدرک و...) اینجاست که هنگام طلوع خورشید حقیقت فریاد می‌زنم (وا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله) بلکه سمت حرکت برتر از (من) باید باشد چه برتر از من است؟ کسی که حاکم بر من است و چه کسی بر من حاکم است؟ کسی که بر ماده و قانون‌های حاکم بر ماده حاکم است؛ لذا کار من در دنیا زیاد کردم خودم است پس دنیا نباید برای انسان بار باشد و اسیر آن و متوقف در آن بلکه باید پای او باشد باید سوار بر دنیا شد ای انسان تو (بزرگ‌تر از قدرتی، بزرگ‌تر از ثروتی و ...)